



امام جعفر صادق

صادق آل محمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا حسین بن محمد صادق
علیہ السلام

لَہْم صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

صادق آل محمدؑ



مؤلف:.....سید محمد مہدی موسوی

ناشر:.....بہار دلہا

صفحہ آرائی:.....حسین نرگسی

طراح گرافیک:.....ابوالفضل رنجبران

چاپخانہ:.....مینایی

نوبت چاپ:.....اول ۱۳۹۱

تیراژ:.....۵۰۰۰

قیمت:.....۱۴۰۰

سرشناسہ:	موسوی بزرگ، سید محمد مہدی، ۱۳۵۵
عنوان و نام پندہ اور:	یا جعفر بن محمد الصادق علیہ السلام، سید محمد مہدی موسوی
مشخصات نشر و رقم:	بہار دلہا، ۱۳۹۱
مشخصات ظاہری:	۴۴۴
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۲۶-۷۶-۹
وضاحت فہرست نویسی:	نہا
پانڈاٹ: عنوان دیگر:	صادق آل محمد علی القلو علیہ السلام
عنوان دیگر:	صادق آل محمد علی القلو علیہ السلام
موضوع:	جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۲۸
زده بندی کنگرہ:	BPT5 ۱۶۱۶ ۲
زده بندی دیوبند:	۲۱۷/۱۵۵۳
شماره کتابشناسی ملی:	۲۸۸۲۹۰۳



امام صادق می فرماید:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ

نزدیکترین حالات بنده به پروردگار حالت سجده است.

(ثواب الاعمال و عقاب الاعمال)

پیش‌گفتار ۷

فصل اول: نگرش تحقیقی بر زندگانی صادق آل محمد علیه السلام

امام صادق علیه السلام در یک نگاه ۱۰

سیره امامان معصوم علیهم السلام ۱۱

علم امام صادق علیه السلام ۱۳

سیره امام صادق علیه السلام در رفتار با شاگردان ۱۵

۱. تشویق و تکریم شاگردان شایسته ۱۵

۲. انس با شاگردان ۱۶

۳. شکوفاسازی استعدادها ۱۶

۴. تقدیر از تلاش‌های علمی ۱۷

۵. راه‌نمایی ۱۸

۶. دفاع از شاگردان ۱۸

۷. در سوگ شاگردان ۱۹

پندهایی به استادان و دانش‌پژوهان ۲۰

دانشگاه امام صادق علیه السلام ۲۳

اوضاع سیاسی عصر امام صادق علیه السلام ۲۵

نامه سران نهضت عباسی به امام صادق علیه السلام ۲۷

چرا امام صادق علیه السلام قیام نکرد؟ ۳۰

امام صادق علیه السلام؛ رویاروی عباسیان ۳۲

چرا مذهب تشیع را مذهب جعفری می‌نامند؟ ۳۴

امام صادق علیه السلام و فرقه‌ها و مذاهب ۳۶



تقدیم به خورشید پنهان هدایت

حضرت مهدی علیه السلام (فرج الله الشرف)

تقدیم به:

جنگ عقاید	۳۹
مقایسه عصر امام صادق (ع) با عصر امام حسین (ع)	۴۱
فصل دوم: گزیده‌ای از فضائل، کرامات و مواعظ صادق آل محمد (ع)	
شمه‌ای از فضائل صادق آل محمد (ع)	۴۴
الف. بخشش	۴۴
ب. عبادت	۴۶
گوشه‌هایی از کرامات و مواعظ جعفر بن محمد صادق (ع)	۴۷
کتابنامه	۵۹
آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب	۶۱

پیش‌گفتار

کند و کاو در تاریخ جنبش‌های انقلابی مکتبی نشان می‌دهد که در هر نهضت سه مرحله وجود دارد: مرحله «پیام» مرحله «اقدام» مرحله «نظام».

نهضت در آغاز به صورت «پیام» و «اقدام» تجلی می‌کند و سپس به صورت «نظام» درمی‌آید. تا وقتی نهضت در مرحله «پیام» و «اقدام» است و به صورت «نظام» تدوین نشده است همواره در برابر یورش‌های بی‌امان نیروهای ضدانقلابی و کفر و شرک آسیب‌پذیر است.

استراتژی الهی امامان شیعه که مبتنی بر توأم ساختن «پیام» با «اقدام» و سپس درآوردن «پیام» به صورت «نظام» بود موجب شد شیعه همواره تشخص و شخصیت مکتبی و ماهیت انقلابی و اسلامی خویش را حفظ کند.

هدف ثابت استراتژی امامان پاسداری از اسلام، دفاع از مکتب و مبارزه مستمر با نیروهای ضداسلامی بود و بر حسب شرایط و نیازهای زمان شیوه‌های گوناگون را به کار برده‌اند گاه از طریق قیام به شمشیر و گاه از طریق مبارزه عمیق فکری و گسترش معارف اسلامی و گاه از طریق نیایش این رسالت عظیم را تحقق بخشیدند.

رهبری شیعه هیچ وقت گرفتار پدیده تک بعدی و علم‌زدگی نگردید.

امام صادق (ع) نماد عظیم مرحله تدوین پیام به صورت نظام بود. زیرا حضرت ادامه دهنده همان استراتژی واحد الهی است که از آدم

شروع و از طریق نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد، علی و فرزندان او ادامه پیدا کرد. استراتژی دفاع از سنگر اسلام همان گونه که حسین (علیه السلام) در کربلا با خون خود یزیدی ها را شکست داد امام صادق (علیه السلام) از طریق تدوین مکتب نقشه هشام ها و منصورها را نقش بر آب ساخت و هدف مقدس امامت را از طریق تدوین تعالیم راستین اسلام به صورت نظام دنبال کرد.

از این پس نهضت تشیع چنان آسیب ناپذیر گشت که علی رغم بدترین شکنجه ها، اختلاف ها و یورش های سیستماتیک دربارها و عناصر وابسته، تشیع در سراسر جهان گسترش یافت و پرچمدار انقلاب اصیل اسلامی در طول تاریخ گشت.

واقعیت تاریخی این است که امام صادق (علیه السلام) بنا به بینش الهی امامت تشخیص داد که بزرگترین وظیفه وی در آن زمان تدوین مکتب و عمق بخشیدن به مبانی عقیدتی شیعیان و گسترش معارف اسلامی و ایدئولوژی الهی است. کار امام کار یک اسلام شناس و محقق و دانشمند محض نیست بلکه رسالت یک رهبر الهی و پاسداری از نهضت انقلاب اسلامی بود که بنا به الهام الهی امامت تشخیص داد که رسالت اصلی وی «فردسازی» و «جامعه سازی» و تدوین مکتب و پرورش عناصر متعهد و انقلابی است.

فصل اول

نگرش تحقیقی بر زندگانی

صادق آل محمد (علیه السلام)

سیره امام صادق علیه السلام در یک نگاه

امام صادق علیه السلام در روز هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ ق.، مصادف با سالروز ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، در مدینه چشم به جهان گشود.

نام پدرش امام محمد باقر علیه السلام و نام مادرش ام فروه است. آن حضرت دارای ده فرزند بود. لقب «صادق» را پیامبر ﷺ بر او نهاده است؛ چنان که ابوهریره در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که فرمود: خدا از صلب فرزندان محمد باقر علیه السلام پسری خواهد آورد که کلمه حق و زبان صدق است. ابن مسعود پرسید: نام او چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: جعفر صادق که راست گو و درست کردار است و هر کس به او طعن زند و بدگوید و دست رد به سینه او زند، به من بد گفته و دست رد به سینه من زده است.^۱ مدت امامت آن حضرت ۳۴ سال است.

والی مدینه به دستور منصور عباسی، امام صادق علیه السلام را به وسیله زهر مسموم کرد. امام صادق علیه السلام در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ ق. در ۶۵ سالگی به شهادت رسید و در قبرستان معروف بقیع به خاک سپرده شد.

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۴.

سیره امامان معصوم علیهم السلام

روش زندگی و موضع گیری های امامان معصوم علیهم السلام به شرایط خاص عصر آن بزرگواران بستگی دارد. اگر از شرایط حاکم بر زمان هریک از امامان علیهم السلام آگاه شویم، موضع گیری های مختلف آنان معنا پیدا می کند و متوجه می شویم که هیچ گونه تضاد و تعارضی میان اصول و مبانی رفتار آنان نبوده است و همه آنان یک هدف را تعقیب می کرده اند و جلوه های رفتاری هریک از آنان برای رسیدن به مقصود، به تناسب زمان و اقتضای شرایط، فرق دارد.

صفت های فراوانی برای امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است. از آن جا که مقتضیات هر دوره و نمودهای این صفات در ائمه علیهم السلام بنا بر اختلاف عصرها، متفاوت است امامی را با صفت خاصی می شناسیم؛^{۱۱} مثلاً امام حسین علیه السلام را مظهر شجاعت می شماریم و امام سجاد علیه السلام را مظهر دعا می خوانیم. همه امامان معصوم علیهم السلام شجاع بودند اما ظهور آثار شجاعت در امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام بیش تر از ظهور آن در دیگر ائمه علیهم السلام است. شجاعت حضرت علی علیه السلام با جهاد وی در رکاب

پیغمبر ﷺ و نبرد او با قاسطین، مارقین و ناکثین در روزگار خلافتش به ظهور رسید و شجاعت امام حسین (علیه السلام) در قیام عاشورا آشکار شد؛ اما دیگر ائمه (علیهم السلام) چون مأمور به تقیه و مدارا بودند بروز شجاعت در آنان لزومی نیافت. صفت علم در امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) بیش از سایر ائمه (علیهم السلام) به چشم می خورد؛ زیرا شرایط آنان به گونه ای بود که فرصت یافتند دانش را گسترش دهند.

نشانه های بخشش در برخی ائمه (علیهم السلام) نمود بیشتری داشت؛ چون آنان توانایی مالی بیشتری داشته اند یا آن که کم تر در زندان بوده اند و توانسته اند به نیازمندان کمک کنند.

صفت عبادت در برخی ائمه (علیهم السلام) از برجستگی بیشتری برخوردار است؛ چون آنان در حبس یا حصر خانگی بوده اند یا به دلیل عمر کوتاه نتوانسته اند شجاعت، علم و دیگر صفات خود را آن قدر بروز بدهند که در کتاب های تاریخی به ثبت برسد.

صفت بردباری در برخی ائمه (علیهم السلام) بیش از سایر امامان (علیهم السلام) جلوه می کند؛ چون دشمنان ستم های فراوانی به آنان کردند و آنان شکیبا بودند.

همه امامان معصوم (علیهم السلام) شجاع، عالم، بخشنده، عابد و صبور بوده اند؛ اما ظهور این صفات در برخی از آنان، به دلیل شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... جامعه، بیشتر از سایر امامان (علیهم السلام) بوده است.

علم امام صادق (علیه السلام)

علم امام صادق (علیه السلام)، مانند علم همه امامان (علیهم السلام)، مرتبط با علم پیامبر ﷺ و از طریق آن حضرت، مرتبط با وحی بود.

دوران ۳۴ ساله امامت آن حضرت، فرصتی طلایی بود تا تشنه کامان معارف ناب الهی از سرچشمه زلال وحی سیراب شوند.

امام صادق (علیه السلام) در جلسات عمومی و خصوصی به تدریس دانش های گوناگون پرداختند. در جلسات عمومی، شیعیان و اهل سنت شرکت می کردند و از دانش آن حضرت بهره می جستند. در جلسات خصوصی که در منزل امام صادق (علیه السلام) برگزار می شد، فقط دانش پژوهانی که توانایی فهم و استفاده درست برخی دانش ها را داشتند شرکت می کردند.

شیخ مفید در ارشاد می نویسد: مردم از شهرهای دور و نزدیک برای فراگیری دانش نزد امام صادق (علیه السلام) می آمدند. شهرتش در همه جا بالا گرفت. گوناگونی دانش آن حضرت در مورد هیچ یک از اهل بیت (علیهم السلام) گزارش نشده است. دانشمندان حدیث شناس،

شمار راویانی را که از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند ۴۰۰۰ نفر دانسته‌اند.

محقق حلی می‌گوید: دانش‌هایی از جعفر بن محمد صادق علیه السلام منتشر شده که عقل‌ها را به حیرت می‌اندازد. فقط یک راوی، ۳۰/۰۰۰ حدیث از او نقل کرده است.

سیره امام صادق علیه السلام در رفتار با شاگردان علیهم السلام

امام صادق علیه السلام سال‌ها بر کرسی درس و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و هزاران شاگرد در مکتب خود تربیت کرد. سیره امام صادق علیه السلام در رفتار با شاگردان عبارت است از:

۱. تشویق و تکریم شاگردان شایسته

تاریخ پر بار زندگی امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد که آن حضرت، در حضور و غیاب شاگردان شایسته خود، همواره آنان را تشویق و تکریم کرده است.

۱۵ ابان بن تغلب می‌گوید: پدرم گفت: همراه پدرم خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. همین که نگاه امام صادق علیه السلام به پدرم افتاد، دستور داد بالش برای پدرم آوردند و با پدرم مصافحه و معانقه کرد و به او خوشامد گفت.^۱

۱. رجال نجاشی، ص ۸.

هرگاه هشام بن محمد السائب الکلبی نزد امام صادق علیه السلام می آمد، آن حضرت او را نزد خود می نشاند و با او با گشاده رویی و نشاط سخن می گفت.^۱

۲. انس با شاگردان

امام صادق علیه السلام به دیدار شاگردان خود می رفت و با آنان گفت و گو می کرد.

آن حضرت به ابو حمزه فرمود: *إِنِّي لَأُستريح إذا رأيتك*؛ از دیدار شما آرام می شوم.^۲

عقبة بن خالد، معلى بن خنيس و عثمان بن عمران نزد امام صادق علیه السلام آمدند. آن حضرت فرمود: خوش آمدید ای کسانی که ما را دوست دارید و ما، شما را دوست داریم، خوش آمدید. خدا شما را در دنیا و آخرت همراه ما قرار دهد.^۳

۳. شکوفاسازی استعدادها

گاهی شاگردان امام صادق علیه السلام در درس آن حضرت سکوت می کردند و فقط به سخنان امام گوش می دادند. هیبت معنوی امام صادق علیه السلام جرأت سخن گفتن را از آنان سلب می کرد. برخی شاگردان نیز سخن گفتن در محضر امام صادق علیه السلام را نوعی خلاف ادب به حساب می آوردند. امام صادق علیه السلام برای شکوفاسازی استعدادهای شاگردان، به آنان دستور می داد مناظره کنند.

۴. تقدیر از تلاش های علمی

برخی شاگردان امام صادق علیه السلام در راه حفظ آثار اهل بیت علیهم السلام کوشا بودند. امام صادق علیه السلام از تلاش های علمی آنان قدردانی می کرد. آن حضرت درباره زراره فرمود: *رحم الله زرارة بن اعين*، لولا زراره لاندست آثار النبوة و احادیث ابی؛ خدا رحمت کند زراره را که اگر تلاش های او نبود آثار نبوت و سخنان پدرم از بین می رفت.^۱

گاه امام صادق علیه السلام از شیعیان می خواست احادیث را از برخی شاگردانش فراگیرند.

امام صادق علیه السلام به فیض بن مختار فرمود: هر وقت خواستی به احادیث ما آگاهی یابی، نزد او برو. سپس با دست خود به زراره بن اعین اشاره کرد.^۲

مردی از شام برای گفت و گوی علمی نزد امام صادق علیه السلام آمد امام صادق علیه السلام از او خواست با شاگردش، حمران، مناظره کند؛ اما او گفت: من برای مناظره با شما آمده ام، نه حمران. امام صادق علیه السلام فرمود. اگر در مناظره با حمران پیروز شوی، گویا در مناظره با من پیروز شده ای. بعد از مناظره، امام صادق علیه السلام از مرد شامی سؤال کرد: حمران را چگونه یافتی؟ او گفت: بسیار ماهر بود. هرچه پرسیدم، به خوبی جواب گفت.^۳

عبدالله بن یعفور می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: گاهی سؤالی پیش می آید و ما به شما دسترسی نداریم، در این گونه مواقع چه کار

۱. منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. شاگردان مکتب ائمه، ص ۱۰۰.

۳. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۷.

۱. اختصاص مفید، ص ۶۱.

۲. اختصاص مفید، ص ۱۷۰.

۲. منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۷۱.

کنیم؟ آن حضرت فرمود: نزد محمد بن مسلم بروید. او دانش را از پدرم فراگرفت و پدرم او را قبول داشت.

۵. راه‌نمایی

انسان همواره نیازمند وحی است. دانش انسان در برابر دانش خدا، اندک است. از این رو، انسان نیازمند راه‌نمایی خداست. خدا از طریق وحی، راه سعادت دنیا و آخرت را به انسان نشان داد و پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام راه‌نمایان راه سعادت انسان در دنیا و آخرت هستند. امام صادق علیه‌السلام راه دانش را به شاگردان خود یاد داد و آنان را با نقاط قوت و ضعف خود آشنا ساخت.

امام صادق علیه‌السلام به حرمان فرمود: در مناظره، موضوعی را دنبال می‌کنی و به نتیجه می‌رسانی. آن حضرت به هشام بن سالم فرمود: می‌خواهی موضوعی را دنبال کنی و به نتیجه برسی؛ اما توانایی آن را نداری. آن حضرت به الطاق احوال فرمود: در مناظره، بسیار قیاس می‌کنی و باطل را به باطل جواب می‌دهی و نیز به قیاس فرمود: در گفت‌وگو به حق نزدیک می‌شوی اما از احادیث نبوی فاصله می‌گیری و حق را به باطل می‌آمیزی. سخن کوتاه حق، تو را بی‌نیاز از سخن فراوان باطل خواهد کرد.^۱

۶. دفاع از شاگردان

برخی از کوفه به مدینه آمدند و نزد امام صادق علیه‌السلام از برید، زرارة و محمد بن مسلم به بدی یاد کردند. امام صادق علیه‌السلام در دفاع از شاگردان

خود فرمود: خدا روح شما را پاک نگرداند. شما از کسانی به بدی یاد می‌کنید که امین خدا بر حلال و حرام دین شما هستند. آنان ستارگان شیعیانم هستند، زنده باشند یا مرده. امام صادق علیه‌السلام از شدت ناراحتی گریه کرد. سپس آن حضرت فرمود: آنان مشمول صلوات و رحمت خداوندند.^۱

۷. در سوگ شاگردان

امام صادق علیه‌السلام پس از شنیدن خبر رحلت ابان بن تغلب، بر او رحمت فرستاد و سوگند یاد کرد که مرگ ابان دل مرا به درد آورده است.^۲ عبدالملک بن اعین شیبانی کوفی، از یاران باوفا و شاگردان امام صادق علیه‌السلام که جایگاه ویژه‌ای نزد امام صادق علیه‌السلام داشت، در مدینه از دنیا رفت. آن حضرت در حق او چنین دعا کرد: خدایا، او را در روز قیامت جزء ثقل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار ده! او نزد ما از بهترین بندگان بود. امام صادق علیه‌السلام با جمعی دیگر به مزار او رفت و کنار تربتش بر او رحمت فرستاد.^۳

۱. تنقیح‌المقال، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. معجم الرجال الحديث، ج ۱، ص ۲۵.

۳. جامع‌الرواة، ج ۱، ص ۵۱۹.

۱. ارشاد مفید، ص ۲۶۲.

در جست‌وجوی دانش باشید؛ گرچه با دل به دریا زدن و شکافتن امواج طوفانی.

آن حضرت به شاگردان خود فرمود: بنویسید؛ چون شما نمی‌توانید حفظ کنید مگر آن که بنویسید. نیز فرمود: از نوشته‌هایتان محافظت کنید که به آنها نیاز خواهید داشت.

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

اُكْتُبْ وَ بُتَّ عِلْمُكَ فِي اخوانِكَ فَإِنْ مِتُّ فَوَرَّثَ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي زَمَانٌ هَرَجَ مَا يَنْسَوْنَ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ^۱

بنویس و دانشت را میان برادرانت منتشر کن و نوشته‌هایی را برای فرزندان پس از مرگ میراث بگذار، زیرا زمان سختی در پیش دارید که نسل آینده شما جز با کتاب‌هایشان مأنوس نخواهند شد.

امام صادق علیه السلام به دانش‌پژوهان فرمود: هدف شما از دانش‌اندوزی، ریا، فخرفروشی و جدال نباشد. ناتوانی، جایگاه پست برخی دانش‌ها و شرم، مانع دانش‌آموزی شما نشود. دانشی که پخش نشود و انسان آن را به دیگران یاد ندهد، مانند چراغی است که خاموش گردد یا جلوی نور آن گرفته شود.^۲ امام صادق علیه السلام در این سخنان شیوا، هدف صحیح از دانش‌آموختن را توضیح داده و از دانش‌پژوهان خواسته است علم را برای تحصیل کمال و خدمت به مردم بیاموزند. دانشی که برای تظاهر، فخرفروشی و کشمکش فراگرفته شود، مفید و سودمند نخواهد بود بلکه ضرر و آسیب خواهد داشت. نیز حیایی که مانع رشد و تکامل

پندهایی به استادان و دانش‌پژوهان علیهم السلام

امام صادق علیه السلام مردم را به دانش‌اندوزی تشویق کرد:

دوست ندارم یکی از شما جوانان را جز در یکی از این دو حال ببینم: دانشمند یا دانش‌پژوه.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: دانش‌اندوزید و همراه آن خود را به بردباری و متانت آراسته گردانید. در برابر شاگردان خود فروتنی کنید و در برابر استاد خود مؤدب باشید. هرگز از دانشمندان خودخواه مباشید؛ چون حقانیتان را از بین می‌برد.^۲

این سخن امام صادق علیه السلام پندی بسیار والاست. دانشی که همراه فروتنی و ادب نباشد سودی برای آموزگار ندارد؛ چون مردم از خودخواهان متنفرند و سخنان حق آنان را نمی‌پذیرند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِخَوْضِ الْمُهَجِّ وَ شَقِّ اللَّحَجِّ^۳

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۰.
۲. مجالس شیخ صدوق، مجلس ۱۷.
۳. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۷۰، چاپ قدیم.

۱. همان، ج ۲، ص ۱۵۲.
۲. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۷۰، چاپ قدیم.

انسان شود نکوهیده است. دانشی مفید است که به مردم سود برساند؛ وگرنه چراغی که جلوی نور آن گرفته باشد فایده‌ای ندارد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

تَعْلَمُوا الْعِلْمَ مَا شِئْتُمْ إِنْ تَعْلَمُوا فَلَنْ يَنْفَعَكُمُ اللَّهُ بِالْعِلْمِ حَتَّى تَعْلَمُوا بِهِ لِإِنَّ الْعُلَمَاءَ هِمَّتُهُمُ الرِّعَايَةُ وَالسُّفَهَاءُ هِمَّتُهُمُ الرِّوَايَةُ^۱

هرچه می‌خواهید دانش بیاموزید و سطح اطلاعات علمی خود را بالا ببرید ولی خداوند از دانش شما سودی عایدتان نخواهد کرد مگر این که به آن عمل کرده باشید. همت دانشمندان بر عمل است و همت بی‌خردان بر روایت و نقل است.

❦ دانشگاه امام صادق علیه السلام ❦

امام صادق علیه السلام با استفاده از فرصت مناسب به وجود آمده و با ملاحظه نیاز شدید جامعه، نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام محمد باقر علیه السلام را ادامه داد و دانشگاه بزرگی را به وجود آورد که در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز، دانشمندان برجسته‌ای همچون هشام بن حکم، محمد بن مسلم، مؤمن طاق، مفضل بن عمرو، جابر بن حیان را تربیت کرد.

شاگردان آن حضرت منحصر به شیعیان نبودند؛ بلکه پیروان اهل سنت نیز از سخنان آن حضرت بهره‌مند می‌شدند. پیشوایان چهارگانه اهل سنت، بلاواسطه یا با واسطه، شاگردان امام بوده‌اند. در رأس این پیشوایان، ابوحنیفه قرار دارد که دو سال شاگرد امام صادق علیه السلام بوده است.

جابر بن حیان، دانشمندی برجسته و متکلمی بزرگ و زبردست بود که در دانشگاه امام صادق علیه السلام پرورش یافت. این دانشمند ۵۰۰ رساله در علم شیمی تألیف کرده و به پدر علم شیمی مشهور شده است.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۷، چاپ جدید.